



عزت افچنگی، ۱۴۰۴

طراحی الگوی پارادایمی بازدارنده‌های کوچینگ آموزشی در مدارس ابتدایی

این پژوهش با هدف طراحی الگوی پارادایمی بازدارنده‌های کوچینگ آموزشی در مدارس ابتدایی صورت گرفته است. روش پژوهش، روش کیفی بوده که در بخش کیفی، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد نظریه پردازی داده بنیاد لحاظ گردیده است. مشارکت‌کنندگان 12 نفر از مدیران و معلمان با سابقه مقطع ابتدایی در شهر سبزوار می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و فن گلوله برفی انتخاب شده‌اند. روش تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه در بخش کیفی، کدگذاری باز، محوری و انتخابی انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش شامل 49 کد باز، 20 کد ثانویه و 6 مقوله اصلی به دست آمد که شامل شرایط علی (عوامل، محیطی، عوامل سازمانی و عوامل فردی)، زمینه‌ها (عوامل اقتصادی، عوامل ساسی، عوامل اجتماعی، مداخله گرها (عوامل مدیریتی، عوامل سازمانی)، راهبردها (توجه به موانع فرهنگی، ارزیابی و بازخورد مستمر، مشارکت فعال دانش آموزان، آموزش و پشتیبانی، تعیین اهداف واضح)، مقوله محوری (سیاست‌های آموزشی، شرایط اقتصادی و اجتماعی، نقش خانواده و نگرش‌های فرهنگی) و پیامدها (پیامدهای مالی، پیامدهای فردی و پیامدهای سازمانی) می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان کرد که با بهبود فرآیند کوچینگ آموزشی در مقطع ابتدایی می‌توان موانع موجود را کاهش داد. این اقدامات نه تنها به ارتقای کیفیت آموزش کمک می‌کنند، بلکه باعث ایجاد محیطی مثبت و حمایتی برای یادگیری دانش آموزان می‌شوند.

کلمات کلیدی: عوامل یازدارند، کوچینگ آموزشی، مدارس ابتدایی، داده بنیاد.

کلیدواژه‌ها: عوامل یازدارند، کوچینگ آموزشی، مدارس ابتدایی، داده بنیاد

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۵۲۹۳۰۸۷۲۴۵۱۲۷۵۴۰۳۱۱۶۳۱۱۲۳۴۶

تاریخ دفاع: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

رشته‌ی تحصیلی:

دانشکده:

استادان راهنما: دکتر میثم قویدل باجگیران و دکتر ابوالقاسم امیراحمدی

Thesis:

Designing a Paradigmatic Model of Educational Coaching Inhibitors in Elementary Schools

This research aims to design a paradigmatic model of the barriers to educational coaching in elementary schools. The research method is qualitative, and in the qualitative section,



qualitative content analysis with a grounded theory approach has been considered. The participants included 12 experienced managers and teachers from the elementary level in the city of Sabzevar, selected using theoretical sampling and the snowball method. The data analysis method for the interviews in the qualitative section involved open, axial, and selective coding. The findings of the research included 49 open codes, 20 secondary codes, and 6 main categories, which encompass causal conditions (environmental factors, organizational factors, and individual factors), contexts (economic factors, political factors, social factors), intervening factors (managerial factors, organizational factors), strategies (attention to cultural barriers, continuous evaluation and feedback, active student participation, training and support, setting clear goals), a central category (educational policies, economic and social conditions, the role of family, and cultural attitudes), and outcomes (financial outcomes, individual outcomes, and organizational outcomes). Based on the results obtained, it can be stated that by improving the educational coaching process in elementary schools, existing barriers can be reduced. These actions not only help enhance the quality of education but also create a positive and supportive environment for student learning.

Keywords: Barriers, Educational Coaching, Elementary Schools, Grounded Theory.